

رویکرد نظام آموزشی در مجموعه علمی و فرهنگی ربع رشیدی (۶۹۹-۷۱۸ هـ.ق)

امیر دهقان نژاد<sup>۱</sup>

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

چکیده

مرکز علمی و فرهنگی «ربع رشیدی» بزرگترین مجموعه موقوفی، علمی، فرهنگی و آموزشی عصر ایلخانی بوده (۶۵۳-۷۳۶ هـ) که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر، دانشمند و مورخ بزرگ ایلخانان (۶۴۸-۷۱۸ هـ.ق) تاسیس شده است. دستاوردهای این مرکز در عرصه‌های مختلف و جایگاه قابل ملاحظه آن در تاریخ علم ایران و اسلام، مطالعه و بررسی شیوه اداری و چگونگی فعالیت‌های علمی و آموزشی این مجموعه را ضرورت می‌بخشد. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، در ابتدا از شیوه مدیریت ربع رشیدی بحث می‌شود و در ادامه نظام آموزشی این مجموعه، بررسی و پیامدهای حاصل از آن تشریح خواهد شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مرکز علمی و فرهنگی ربع رشیدی با مدیریت شخصیتی علمی و بهره‌مندی از پشتوانه مالی مشخص و مستقل از دربار بسیاری از کارکردهای مراکز علمی و آموزشی نوین را متناسب با امکانات عصر دارا بوده است. از این میان می‌توان به مواردی همچون گزینش اساتید بر اساس توانایی‌های علمی و صلاحیت‌های اخلاقی، بهره‌گیری از اساتید توانمند سایر ملل، فرصت مطالعاتی، پرداخت کمک هزینه تحصیلی و جز آن اشاره نمود.

واژگان کلیدی: خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ربع رشیدی، نظام آموزشی، ایلخانان.

## ۱. مقدمه:

بزرگترین بنیاد خیریه و وقفی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بر اساس گفته حمدالله مستوفی، شهرچه‌ای در شمال تبریز به موضع «ولیان کوه» بود که به نام بانی آن «ربع رشیدی» نامیده شده است (ر.ک. مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۷). هدف از تأسیس آن به گفته خود رشیدالدین، اشتیاق به کسب علم و درک حقایق و معانی و بهره جستن از ملازمت دانشمندان و علما و عرفا بوده است. آنچه‌آن که از متن وقف‌نامه رشیدی، مکاتبات رشیدی و سایر منابع تاریخی عصر ایلخانی برمی‌آید، این شهرچه، در واقع یک دانشگاه و مرکز علمی بین‌المللی با تأسیسات آموزشی مختلف نظیر بیت‌التعلیم، مدارس عالی، دارالشفاء، خانقاه و بیت‌الکتب به همراه تأسیسات جانبی متنوع شامل ۲۴ کاروان‌سرای رفیع، ۱۵۰۰ حجره، ۳۰۰۰۰ خانه، چندین گرمابه، باغات و بوستان‌ها، کارخانه پارچه‌بافی، کاغذسازی، رنگ رزخانه، دارالضرب و غیر آن بوده است و در آن علاوه بر دانشجویان ایرانی ۶۰۰۰ طالب علم از دیگر ممالک جهان با برخورداری از تمام امکانات رفاهی به تحصیل اشتغال داشتند (ر.ک. همدانی، ۱۳۵۶: ۲۷۱).

نتایج باستان‌شناسی، اسناد تاریخی و گزارش سیاحان عصر ایلخانی و ادوار بعد نیز حکایت از صحت اقوال بنیانگذار ربع رشیدی مبنی بر شکوه و عظمت مجموعه مذکور و گستردگی فعالیت‌های علمی و فرهنگی صورت گرفته در آن دارد. به گفته دولتشاه سمرقندی عظمت و شکوه ربع رشیدی به حدی بوده است «که از آن عالی‌تر عمارتی در اقلیم نشان نمی‌دهند و بر کتابه آن عمارت نوشته که همانا ویران کردن این عمارت از ساختن عمارت دیگر مشکل‌تر باشد» (ر.ک. سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۷۱). شاید وجود همین کتیبه بوده است که میرانشاه فرزند تیمور را بر آن داشت که پس از ناتوانی در برآوردن عمارتی چون ربع رشیدی دستور به ویرانی آن دهد «تا آیندگان بگویند گرچه میرانشاه نتوانست چیزی بسازد اما در ویران ساختن زیباترین ساختمان‌های جهان کامیاب شد» (ر.ک. کلاویخو، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که مجموعه علمی و آموزشی ربع رشیدی از برخی جهات بر مراکز مشابه قبل و بعد از ایلخانی مزیت داشته و هدف اصلی مؤسس آن، آموزش غالب علوم عقلی و نقلی زمان و پرورش طیف وسیعی از طالبان علم و دانش پژوهان مستعد به منظور بهبود اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی جامعه پس از فروکش کردن ایلغار مغول بوده است. پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از منابع و اسناد تاریخی موجود، کیفیت سازمان اداری، مالی، رویکرد آموزشی و دستاوردهای مختلف این مجموعه علمی و آموزشی چندمنظوره را مطالعه و بررسی کند.

## ۲. بنیان‌گذار ربع رشیدی

خواجه رشیدالدین ابوالفضایل فضل‌الله بن عمادالدوله ابوالخیر بن موفق‌الدوله طیب همدانی (۷۱۸-۶۴۸ ه.ق)، طبیب، مورخ و وزیر بزرگ عصر ایلخانی، نیمه اول قرن ۷ ه.ق، در همدان متولد شد. نیای وی موفق‌الدوله ابوالفرج عالی بن ابوشجاع اسرایلی همدانی از خانواده‌های یهودی و پزشک‌پیش همدان بود که به همراه برادرش رئیس‌الدوله بن ابوشجاع اسرایلی از طبیبان به نام آن عصر و خواجه نصیرالدین طوسی یک چند در قلاع اسماعیلیه زیسته است (بناکتی، ۱۳۴۸: ۲۴۴). وی پس از تسلیم رکن‌الدین خورشاه اسماعیلی (۶۵۴ ه.ق) به همراه برادر و خواجه نصیر به خدمت هلاکو در آمد. عمادالدوله ابوالخیر طبیب، پدر خواجه رشید، نزد پدر و عموی خود تحصیل علوم کرد و هم با ایشان ملازم سلطان گردید و به خدمات دولتی اشتغال ورزید (ابن فوطی، ۱۴۱۶: ۶۲/۲).

رشیدالدین نیز راه نیای خود را در عرصه طب و سیاست ادامه داد و در عهد اباقخان ایلخانی (۶۸۰-۶۶۳ هـ.ق) مورد عنایت پادشاهانه قرار گرفت و در شمار حکما و اطباء معتبر درآمد و در عهد جهانبانی ارغون خان مرتبه و پایه اش ترقی پذیرفت. به طوری که امرای اولوس در مصالح و امور مملکت با او مشورت می نمودند و چون گیخاتو پادشاه گشت، دستور وزارت به نام وی صادر گردید. علی رغم پذیرش مقام وزارت از سوی خواجه، او به سبب ندیمی، حکمت و طبابت پایه ای بلند و رتبی ارجمند یافت. سپس در دستگاه دیوانی ترقی نمود و در سال سوم پادشاهی غازان خان (۶۹۷ هـ.ق) به مقام وزارت رسید و در سراسر ایام حکمرانی وی و جانشینش اولجایتو و بخشی از سلطنت ابوسعید آخرین ایلخان بزرگ که دستور به قتل خواجه داد در این مقام باقی بود (منشی کرمانی، ۱۳۳۸: ۱۱۳-۱۱۲؛ همدانی، ۱۳۵۶: ۲۴۲؛ همو، خطی، گ ۱۳۴ ر.).

وی در طول حیات سیاسی خویش برجسته ترین نماینده و رهبر فکری جریان تمرکزگرا و زمین داری آرمنده، شامل گروه دیوانیان کشوری ایران، روحانیون مسلمان و اکثریت تاجران شهرنشین (آرمندگان فرهنگمند) در مقابل تیول داری کوچک و مرکز گریز مغولی (کوچندگان واپسگرا) و عامل اصلی اصلاحات عصر ایلخانی مشهور به اصلاحات غازانی بود (رک: همدانی، ۱۹۴۰: ۳۴۶-۱۶۰؛ رجبی، ۱۳۵۵: ۵۲-۵۱). دوران بیست ساله وزارت رشیدالدین به لحاظ اصلاح امور اداری و مالی، عمران و آبادانی کشور، رفاه عمومی و امنیت و رواج علم و ادب از ادوار روشن تاریخ ایران محسوب می شود. وی در عین اشتغال دایم به امور ملک و دولت از توجه به اهل علم و هنر و صاحبان حرف و صنعت غفلت نمی ورزید و در همین حال از تحقیق و بحث و کسب معارف جدا نبوده و اداره امور کشور، وی را از مطالعه و پژوهش باز نمی داشت. به طوری که در بسیاری از علوم و فنون معرفت وسیع داشت و تصانیف عظیمش وی را به عنوان یکی از متبحرترین و پرکارترین دانشمندان می شناساند. رشیدالدین علاوه بر علم طب که پایه ارتقای او بود و سوای علوم مرتبط با آن، با اقتصاد، گیاه شناسی، کشاورزی، مهندسی، فلسفه، حکمت، تفسیر، حکمت، کلام، حدیث و تاریخ آشنا بود و از چندین زبان نظیر پارسی، عربی، عبری، مغولی، ترکی و احتمالاً چینی آگاهی داشت (ادکایی همدانی، ۱۳۸۸: ۲۲/۱-۲۰).

آنچه بر اهمیت و جایگاه علمی رشیدالدین در تاریخ علم و فرهنگ ایران و اسلام افزوده است علاوه بر تحقیقات و تألیفات متنوع و گسترده در شاخه های مختلف علوم و اشاعه علوم شرقی در تمدن اسلامی، اهتمام ویژه وی در اکرام و احترام اهالی علم و دانش و مهیا نمودن بستر تحقیق و تحصیل برای آنان و حمایت از دانشمندان داخل و خارج از قلمرو ایلخانی و بازسازی بناها و انشای عمارات و احداث مراکز علمی و آموزشی با استفاده از درآمد اوقاف در جای جای ایران عصر ایلخانان، نظیر تبریز، بغداد، سلطانیه، مراغه، همدان، یزد، بسطام، شیراز، بصره، هرات، موصل، ارزنجان و جز آن پس از ویرانگری های مغول می باشد (رک: همدانی، ۱۳۵۶: ۱۹۴۵).

وی در این باره آورده است: «چون حق جل و علا خواسته بود که بعضی اسرار کیفیت احوال خیرات جاریه بر ضمیر این بنده ضعیف روشن گرداند، اکثر اوقات به اندک عمارتی مشغول و مایل می بود... و به قدر وسع به هر وقت عمارتی در عمل می آورد و به اندیشه و فکر آن، مشغول می شد که آن عمارت باید که مبتنی و مشتمل باشد بر خیرات» (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۱).

از این رو، این وزیر دانشمند به سبب مقام علمی و تبحری که در انواع علوم داشت و هم به واسطه خدماتی که در مقام وزرات سلاطین ایلخانی و به موهبت تدبیر و افکار عالی سیاسی و اصلاح طلبانه خود به حفظ موجودیت و احیای تمدن و فرهنگ ایران نمود، از مردان بزرگ سیاست، علم و فرهنگ ایران زمین به شمار می آید. به طوری که سارتون درباره وی می گوید: «رشیدالدین مورخ و حامی دانش بود، ولی شخصیت او چنان عظیم است که نمی توان زمینه فرهنگی را بدون اشاره به او توصیف کرد. او تا وقتی که زنده بود بر هنر و دانش در ناحیه تبریز و سلطانیه تسلط داشت» (سارتن، ۱۳۸۳: ۳/۲۱۲۴). ویل دورانت نیز از او به عنوان شخصیتی یاد می کند که تاریخ بشریت را مزین کرده است (دورانت، ۱۳۹۱: ۵۲۶).

در میان اقدامات آبادگرانه فضل الله همدانی، بنای شهرک علمی موسوم به ربع رشیدی از همه مهم تر بوده است که در ادامه، بدان پرداخته خواهد شد.

### ۳. مدیریت ربع رشیدی

در ربع رشیدی مقام سرپرستی و مسئولیت مستقیم امور که تحت عنوان «متولی» از آن یاد شده است، به مدت بیست سال یعنی از بدو تأسیس ۶۹۹ هـ.ق تا سال ۷۱۸ هـ.ق، و مرگ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی برعهده وی به عنوان مؤسس و بانی مرکز مذکور بوده است. در

«وقفنامه ربع رشیدی» که به قلم شخص رشیدالدین به نگارش درآمده است و در بردارنده دستورالعمل‌های مختلف پیرامون روش اداره، تخصیص بودجه، امکانات و سایر امور مربوط به ربع رشیدی می‌باشد، آمده است: «اولاً تا این ضعیف در قید حیات باشد، تولیت این ابواب البر و موقوفات آن جهت نفس خود معین گردانیده‌ام و هیچ کس را در آن امور مدخل و شروعی نیست» (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۱۸).

رشیدالدین شرط می‌کند که بعد از مرگش اداره امور برعهده سه مقام متولی، مشرف و ناظر (به عنوان نایب متولی) می‌باشد که همگی می‌بایست از اولاد و ذریه ذکور وی و اگر امکان‌پذیر نبود از اولاد اناث (دختران) انتخاب شوند و اگر هیچ کدام از اولاد و اخلاف مذکور و مؤنث وی باقی نماند، این سه مقام می‌بایست از میان شایسته‌ترین شیوخ تبریز که مورد تایید قاضی القضاات شهر می‌بودند، انتخاب شوند (همان: ۲۱-۱۱۸). از آنجا که نیمی از درآمد موقوفات ربع رشیدی، سهم اولاد رشیدالدین بوده، نیم دیگر نیز به سه مقام ارشد ربع که می‌بایست از فرزندان وی انتخاب شوند تعلق داشت (همان: ۱۲۶-۱۲۵). آوردن این شرط در وقف‌نامه صحت این نظریه لمبتن را محتمل‌تر می‌نماید که یکی از اهداف رشیدالدین از تبدیل اموال و املاک وسیع خود به اوقاف کسب امنیت در مالکیت و منافع مالی ناشی از آن در دوران ناامنی مالکیت خصوصی بوده است (لمبتن، ۱۳۷۲: ۱۵۳). از میان سه مقام یاد شده، متولی از قدرت و اختیار تام برخوردار بوده است. به طوری که وی مسئولیت مستقیم ساختمان، امور آموزشی، گزینش دانشجویان و مدرسان، امور مالی و عمرانی، گزینش و عزل کارکنان و دیگر امور مربوط به ربع رشیدی را برعهده داشته است. او می‌بایست در این موارد با دو مقام دیگر یعنی ناظر و مشرف مشورت نماید (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۵-۱۲۲)؛ لیکن در مقام عمل، قدرت اجرایی در دست متولی متمرکز بوده و نقش دو مقام دیگر آنچنان که از عنوان‌شان پیداست به نظارت بر اجرای صحیح منویات متولی محدود بوده است.

تقسیم کار و شرح وظایف کارکنان از بالاترین رده شغلی تا پایین‌ترین آن یکی از برجسته‌ترین مسائل مدیریت بوده است که در ربع رشیدی کاملاً اجرا می‌شده و مانند مراکز علمی امروزی زمان ورود و خروج کارکنان، میزان ساعات کاری در طول روز و هفته، شیوه آموزش، تعداد اساتید و دانشجویان، مواد آموزشی و غیره دقیقاً حساب شده بود. علاوه بر مسائل آموزشی و اداری، مسائل مالی و تأمین بودجه، میزان هزینه‌ها، منابع درآمد، موارد مصرف، میزان و چگونگی پرداخت حقوق و پاداش کارکنان، اساتید و دانشجویان به طور دقیق تنظیم شده بود و متولی موظف بود دستورالعمل‌های ذکر شده در وقف‌نامه را ماهی یک نوبت، مطالعه نماید تا بر احوال شروط آن، کمابینگی واقف باشد (همدانی، ۱۳۵۶: ۳۴). بررسی موارد فوق نشان می‌دهد مقام تولیت ربع که در بخش عمده‌ای از دوران حیات و فعالیت آن برعهده شخص رشیدالدین بوده است با الگوی «رهبر اقتدار گرا و خودکامه» در علم مدیریت، منطبق است که نسبت به مدیریت، مفهومی وسیع‌تر دارد و در آن رهبر، شخصی است قاطع که دستور می‌دهد و انتظار فرمانبرداری دارد و این توانایی را دارا است که با پرداخت پاداش و یا به کار بردن تنبیه رهبری کند (Herse & Blancard, ۱۹۸۹, p: ۵)؛ کوتنز و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۹۰/۱).

#### ۴. تشکیلات ربع رشیدی

مجتمع علمی و آموزشی ربع رشیدی متشکل از تأسیسات آموزشی و تأسیسات جانبی دیگر در حول محور آموزشی بوده است. رشیدالدین هدف از ساخت آن‌ها را فراهم آوردن آسودگی خاطر برای مدرسان، طلاب، دانشجویان، کارکنان و سایر ساکنان در ربع بیان کرده تا بتوانند وظیفه خود را به بهترین نحو به انجام رسانند (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۱۹). مجتمع علمی و فرهنگی ربع رشیدی در سه بخش طراحی شده بود که عبارت بودند از:

۱- ربع رشیدی: اساسی‌ترین و اصلی‌ترین قسمت مجتمع بوده و در طی دو مرحله به ساخت و تکمیل آن اقدام شده، و خود شامل ۴ قسمت می‌شده است.

الف. روضه که مشتمل بر دو مسجد، دارالمصحف و کتب‌الحديث بوده، و در آن علاوه بر امور عبادی، علم حدیث و تفسیر و سایر علوم دینی تدریس می‌شده است.

ب. خانقاه شامل مواضع آموزش و سکونت صوفیان با تمام امکانات رفاهی.

ج. دارالضیافه جهت مجاوران و مسافران و کارکنان ربع.

د. دارالشفای مشتمل بر کلاس‌های تدریس طب، مطب، داروخانه، آشپزخانه و سرای طبیب مسئول (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۲).

#### ۲-۴. شهرستان رشیدی

یک مجتمع ساختمانی در نزدیکی ربع، به انضمام کلیه تأسیسات رفاهی نظیر کاروانسرا، حمام، کارخانجات مختلف، بازار و جز آن بوده است. شهرستان به محله‌های مختلفی تقسیم و هر محله‌ای به یک طبقه و یا یک رده شغلی اختصاص داشته است؛ مانند کوچه حافظان قرآن، کوچه علمای علوم دینی، کوچه معالجان مختص پزشکان خارجی، محله طلبه (مختص طالبان علم) و محله صالحیه که خانواده پزشکان در آن، اقامت داشته‌اند. سکونت در شهرستان به افراد متأهل اختصاص داشت و دانشجویان مجرد همواره در ربع رشیدی ملازم بوده‌اند (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۸۰-۱۷۲؛ همو، ۱۹۴۵: ۳۲۰-۳۱۷).

### ۳-۴. ربض رشیدی

آنچنان که از وقف‌نامه ربع رشیدی بر می‌آید، این قسمت از ربع رشیدی محله‌ای اعیان‌نشین و مختص مقامات بالا نظیر متولی، مشرف، ناظر و سایر بستگان آنها بوده و املاک آن به صورت موروثی به اخلاف این مقامات منتقل می‌شده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۷۶-۱۷۵). از آنجا که تولید ربع رشیدی در طول فعالیت برعهده رشیدالدین و فرزندش بوده است، عملاً این قسمت از ربع به خاندان وی به همراه غلامان و محافظان‌شان اختصاص داشته است (همان: ۱۹۲).

### ۵. آموزش در ربع رشیدی

مهم‌ترین و محوری‌ترین مسئله‌ای که در وقف‌نامه ربع رشیدی بدان پرداخته شده، مسئله آموزش است. در واقع سایر مباحث مطرح شده در وقف‌نامه، حول محور آموزش و به منظور ارتقاء و بالابردن سطح کیفیت آموزش بوده است. به طوری که هر ساله، دستورالعمل‌های جدیدی به برنامه‌های آموزشی این مجتمع علمی افزوده می‌شده است که تمامی از تلاش برای بهبود وضعیت آموزشی حکایت دارد. در این زمینه می‌توان به مواردی همچون افزایش و ارتقای زیرساخت‌های آموزشی، استخدام مدرسین و جذب دانشمندان و طلبان علم از دیگر نقاط جهان نظیر چین، هند، شام و مصر، افزایش تعداد مدرسین و دانشجویان، افزایش سالانه حقوق و مزایای کارکنان علمی ربع، احداث کتابخانه ۶۰۰۰۰ جلدی در شاخه‌های مختلف علوم و درخواست از دانشمندان داخلی و خارجی برای ارسال آثار خویش بدین کتابخانه و اختصاص پاداش‌های هنگفت برای این منظور، استنتاج منابع علمی به دو زبان پارسی و عربی و ارسال آن به مدارس و کتابخانه‌های مختلف، توجه به دانش‌های دیگر ملل و تربیت مترجمین برای کسب آن و فعالیت‌های پژوهشی و نگارش آثار علمی بر مبنای این پژوهش‌ها اشاره نمود (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۴۸-۲۳۸؛ همو، ۱۳۵۰: ۲۴-۲۳). آموزش در ربع رشیدی در مقاطع تحصیلی مختلفی صورت می‌پذیرفت که هر کدام دارای تأسیسات آموزشی مختص به خود بوده و عبارت بوده اند از:

#### ۱-۵. بیت‌التعلیم

مرکز آموزشی مختص خردسالان و کودکان بی‌سرپرست بوده است که در یکی از بزرگترین ساختمان‌های بخش روضه قرار داشت. هر معلم در بیت‌التعلیم می‌بایست سالانه به ۱۰ کودک خواندن و نوشتن و تلاوت قرآن بیاموزد. مسکن کودکان بی‌سرپرست در محله صالحیه بود و علاوه بر معلم از وجود یک سرپرست متأهل و مسن با عنوان اتابک برخوردار بودند که در کنار بیت‌التعلیم سکونت داشت و می‌بایست بر آنان به صورت شبانه‌روزی نظارت کند. همچنین رشیدالدین شرط کرده بود برای هرکدام از ایتم سالی ۱۲ دینار وجه رایج تبریز و معادل ۳۶۵ من نان گندم پس‌انداز شود. حقوق و مزایای معلم بیت‌التعلیم عبارت بود از سالی ۱۲۰ دینار وجه نقد و ۱۴۴۰ من نان گندم. اتابک نیز سالی ۶۰ دینار و ۷۲۰ من نان گندم دریافت می‌کرد (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۹۰-۳۸۱).

#### ۲-۵. آموزش فنی و حرفه‌ای

مخصوص فرزندان غلامان و کارکنان ربع رشیدی بوده است. این کودکان می‌بایست متناسب با نیازهای بخش‌های مختلف ربع و میزان و نوع استعدادشان در نزد استادکاران هر فن، حرفه‌ای را بیاموزند. حرفی در وقف‌نامه پیشنهاد شده بود که این افراد بدان پردازند عبارتند از: «خطاطی،

قوالی، نقاشی، زرگری، باغبانی، کهریزکتی، دهقنت، معماری و سایر حرف بر وجهی که متولی مصلحت بیند تا آن صنعت بیاموزند و بدان کسبی کنند و تا ممکن باشد صنعت پدر خود آموزند» (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۹۳-۱۹۱).

### ۳-۵. آموزش عالی

آموزش عالی در ربیع رشیدی از برنامه دقیق و منسجمی برخوردار بوده است. بر خلاف اغلب مدارس قدیم که هیچ‌گونه شرط خاصی برای پذیرش دانشجو وجود نداشت و هر کس با هر میزان استعداد می‌توانست در این مدارس شرکت کند (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۶۵)، در ربیع رشیدی اولین و مهم‌ترین امر در زمینه آموزش شناسایی استعداد و توانایی‌های بالقوه مراجعہ‌کنندگان در علوم مختلف و پذیرش متقاضیان مستعد بوده است؛ چرا که رشیدالدین معتقد بود «ق سبحانه و تعالی هر شخصی را استعداد و هدایتی مناسب حال او داده، چنانچه می‌فرماید که الذی اعطی کل شی خلقه و دیگر که والذی قدر فهدی» (همدانی، ۱۳۵۵: ۲/۱).

وی در نامه‌ای به فرزندش سعدالدین حاکم قنسرین در مورد چگونگی پذیرش دانشجویان ربیع رشیدی آورده است: «و هم ما تعیین کردیم که هر چند طالب علم پیش کدام مدرس تحصیل علم کند و دیدیم که ذهن هر طالب علمی از این طالب علمان معدوده مستعد کدام علم است از فروع و اصول، نقلی و عقلی، به خواندن آن علم امر فرمودیم» (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۱۹). علاوه بر آن دانشجویان می‌بایست به لحاظ اخلاقی از سلامت برخوردار باشند (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۷۴). آموزش عالی در ربیع رشیدی در سه شاخه مختلف صورت پذیرفته است: ۱- علوم دینی؛ ۲- سایر علوم شامل علوم عقلی، حسابی، ادبی و جز آن؛ ۳- تدریس منصفات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی.

تدریس علوم دینی در ربیع رشیدی شامل حفظ و تلاوت قرآن، تفسیر، حدیث، اصول فقه و سایر علوم دینی می‌شده است. به منظور علوم تفسیر و حدیث یک مُدرس تعیین شده بود و تنها ۲ دانشجو داشت که در سال ۷۱۵ هـ.ق، تعداد مُدرس این علوم به ۲ نفر و تعداد دانشجویان هر مدرس به ۵ نفر افزایش یافت (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۳۳).

تدریس دیگر علوم دینی برعهده مدرسین بود که سایر علوم را آموزش می‌داد. بر خلاف مدارس پیش از ایلخانی، نظیر نظامیه‌ها که تدریس علوم عقلی ممنوع بود (کسای، ۱۳۵۸: ۲۸۰-۲۷۹)، در ربیع رشیدی در کنار علوم دینی، علوم عقلی، ادبی و حسابی با عنوان «سایر علوم» تدریس می‌شده است. نکته مهم در این باره، توجه ویژه رشیدالدین به علوم عقلی نسبت به علوم دینی است. به طوری که مُدرس علوم دینی اگر از علوم عقلی و حسابی آگاهی داشت، نسبت به دیگر مدرسان اولی‌تر بود (همان: ۱۳۰).

در سال ۷۱۵ هـ.ق، تعداد مدرسان سایر علوم به دو برابر افزایش یافت و به ازای هر مدرس، ۱۰ دانشجو پذیرفته می‌شد که این تعداد دو برابر تعداد طلاب علوم تفسیر و حدیث بوده است. به منظور یاری رساندن به این مدرس، متولی می‌بایست یک مُعید معین می‌کرد تا دروس را برای دانشجویان، تکرار و تشریح کند. وی باید به لحاظ علمی در رتبه مدرس و یا نزدیک به او می‌بود (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۳۰). مدرس و معید این علوم نه تنها حقوق و مزایای بیشتری نسبت به سایر مدرسان دریافت می‌نمودند، بلکه در طی یک بند الحاقی به وقف‌نامه به میزان آن افزوده شده است. به طوری که بالاترین میزان حقوق پرداختی در ربیع متعلق بدان‌ها بود؛ این در حالی است که حقوق مدرسان علم تفسیر و حدیث هیچ‌گونه تغییری نکرده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۳۲-۱۳۱).

### جدول ۴-۲- دستمزد سالانه مدرسین ربیع رشیدی

سمت	دستمزد سالانه (دینار رایج تبریز)			مزایای جنسی (نان گندم)
مدرس علوم تفسیر و حدیث	۱۵۰ دینار			۳۶۵۰ من
مدرس سایر علوم	پرداخت اولیه ۳۶۰ دینار	اضافه پرداخت ۱۴۰ دینار	مجموع ۵۰۰ دینار	۳۶۵۰ من

۱۴۶۰م	۱۰۰دینار			مُعید علوم تفسیر و حدیث
۲۱۹۰م	مجموع ۲۰۰دینار	اضافه پرداخت ۴۰ دینار	پرداخت اولیه ۱۶۰دینار	مُعید سایر علوم

از میان علوم عقلی، تنها جستجو پیرامون مباحث فلسفی برای دانشجویان با موانعی مواجه بوده و اگر فردی در این باب کنکاش می کرد از امکانات رفاهی مانند مسکن، محروم می شد و به کارش نمی گرفتند؛ چرا که رشیدالدین معتقد بود فلسفه مزاج ایشان را مخبط و گستاخ می نماید (همان: ۱۷۴-۱۷۳). با این وجود مشخص می شود مطالعات فلسفی ممنوع نبوده است؛ چرا که مجازات اخراج از ربع را در پی نداشته و رجوع به کتابخانه معقولات ربع برای همگان آزاد بوده است. از سوی دیگر بسیاری از مصنفات رشیدالدین که مطالعه آن برای دانشجویان ربع الزامی بود، حاوی مباحث فلسفی می باشند (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۹۸۲۳۳۷).

در کنار آموزش علوم دینی و سایر علوم، رشیدالدین شرط کرده بود که مصنفات وی را تدریس کنند. این مصنفات بخشی از طرح عظیم خواجه یعنی تدوین یک دایرةالمعارف علوم، اعم از نظری، عملی و اسلامی با عنوان «جامع التصانیف رشیدی» و مشتمل بر آثار وی همچون مجموعه رشیدیة (توضیحات، مفتاح التفاسیر، سلطانیة، لطائف الحقایق) به همراه تحقیق المباحث، اسنله و اجوبه رشیدی، بیان الحقایق، آثار و احیاء، تنکسوق نامه و جامع التواریخ بوده است. خواجه در این مجموعه به شقوق و شعب علوم، مسائل و مشکلات دینی، هیأت و علوم طبیعی از نبات و حیوان و معدنیات و طب اسلامی و جغرافیا و زبان و طب اهل ختای و ادویه مفردة ختایی و ادویه مفردة مغولی به همراه سیاست و تدبیر ملک چین و مغول و تاریخ عمومی عالم و تاریخ اسلام و ایران و مغول پرداخته است (همدانی، ۱۳۵۵: ۱۵/۲-۴). این تألیفات می بایست در مدرسه ربع رشیدی و سایر مدارس قلمرو ایلخانی که تحت نظارت رشیدالدین بود، تدریس می شد. در ربع رشیدی وی شرط کرده بود که تدریس و کتابت آثارش برعهده مدرس سایر علوم و دانشجویان وی باشد. برای این منظور، علاوه برموجب معمول مدرسان هر ساله ۸۳۰ دینار دیگر، اختصاص یافته بود (همان: ۲۱۸۲۳۳۷۲۴۱).

آنچنان که از منابع تاریخی به دست می آید، محدودیتی که رشیدالدین برای تعداد مدرسان و متعلمان هر کلاس در نظر می گرفته به معنی محدودیت پذیرش دانشجو و تعداد کلاس ها نبوده و این دستورالعمل، تنها در جهت ارتقای کیفی سطح آموزش صادر شده است و در واقع تعداد دانشجویان، کلاس ها و مدارس ربع بسیار بیشتر از آن حداقلی بوده است که بیان شد. به طوری که ده ها استاد و صدها دانشجو از اقصی نقاط ایران و سایر ملل به تبریز آمده و در مدارس باشکوه ربع رشیدی به تحصیل و تدریس می پرداختند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۱/۲۷۵؛ اوحدی مراغه ای، ۱۳۹۱: ۴۹۹؛ همدانی، ۱۹۴۵: ۳۲۰-۳۱۷).

## ۶. دارالشفاء ربع رشیدی

یکی از مهم ترین بخش ها و شاید مهم ترین بخش آموزشی ربع رشیدی که مورد توجه خاص بانی آن قرار گرفته، دارالشفای ربع بوده که به منزله یک بیمارستان و مکانی برای پذیرش و درمان بیماران، آموزش پزشکی و تهیه مواد مختلف دارویی عمل می کرده است. بررسی و مطالعه اسناد و منابع تاریخی مربوط به دوره ایلخانان نشان می دهد. اگرچه رشیدالدین به عنوان بانی و مجری اصلاحات غازی در ایجاد، توسعه و نوسازی دارالشفاهای سایر نقاط کشور کوشش می کرد و بر چگونگی خدمات دهی آن ها، تهیه دارو، میزان حقوق و سایر امور مرتبط نظارت داشت (همدانی، ۱۹۴۵: ۵۹-۲۵۶)؛ لیکن دارالشفای ربع از اهمیت بیشتری نسبت به سایر دارالشفاهای قلمرو ایلخانی برخوردار بوده و رشیدالدین به امور آن بیشتر پرداخته است (همدانی، ۱۳۵۸: ۶۳).

وظیفه بخش دارالشفای ربع رشیدی که یک واحد مجزا و مجهز بوده و در حکم یک دانشکده درمانی و آموزشی پزشکی عمل می کرده است به مانند وظایف بیمارستان های آموزشی امروزی، به درمان بیماران محدود نبوده و در زمان خود، نهادی علمی برای آموزش پزشکی به شمار می رفته است که طلبه ها و دست اندرکاران دانش پزشکی به شیوه ای امروزی از آن فارغ التحصیل می شدند و با دریافت دانشنامه پزشکی خود و مجوز طبابت

به درمان بیماران مشغول می‌گشتند (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۴۶). این مرکز پزشکی، علاوه بر ارائه خدمات درمانی برای اعضاء و کارکنان ربع، خدمات وسیعی در زمینه درمان و خدمات عمومی به منظور ارتقاء سلامت عمومی جامعه انجام می‌داده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۸۵-۱۴۵). در کنار خدمات درمانی، فعالیت‌های علمی و پژوهشی نیز به صورت شایان توجهی در بخش دارالشفای ربع رشیدی انجام می‌گرفته است. ده‌ها پزشک حاذق از سرزمین‌های دور دست به دارالشفای ربع رشیدی دعوت شده و آموزش دانشجویان ایرانی را برعهده گرفتند (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۱۹). کتب حائز اهمیتی در طب نگاشته شد و تبادلات علمی در زمینه پزشکی میان ایران، آسیای مرکزی و چین شکل گرفت (نصر، ۱۳۵۰: ۳۲۹). همچنین در این دوره سفرهایی برای شناسایی و تهیه مواد و گیاهان دارویی که در ایران یافت نمی‌شد، صورت پذیرفت (همدانی، ۱۳۵۸: ۶۵).

### ۱-۶. آموزش پزشکی

آموزش پزشکی در دارالشفای ربع رشیدی، همچون سایر بخش‌های آموزشی از برنامه منسجم و دقیقی برخوردار بوده است. شرط پذیرش دانشجویان پزشکی همانند دانشجویان سایر علوم، شرکت در آزمون‌های استعدادیابی و کسب امتیاز لازم بوده است. علاوه بر استعداد، دانشجویان طب می‌بایست دارای ویژگی‌های دیگری می‌بودند که در وقف‌نامه اینگونه بیان شده است: «باید که متعلمان مردم زیرک باشند و در تحصیل علم طب مهوس و مجد و متدین و امین باشند» (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۴۵). در ابتدای تأسیس دارالشفاء، آموزش دانشجویان پزشکی که تعداد آنها ۲ نفر به ازای هر استاد بود به صورت آموزش بالینی و توسط پزشکان تمام وقت دارالشفاء انجام می‌گرفته است. اما در سال ۷۱۵ هـ.ق، رشیدالدین با افزودن یک بند به وقف‌نامه تعداد دانشجویان را به ۵ نفر افزایش داده است. همچنین در این سال یک نفر «مُعید» به منظور اعادت درس طب با حقوق ثابت به استخدام دارالشفاء در آمده است (همان، ۱۳۵۶: ۱۴۶). معید درسی را که مدرس می‌داد، تکرار می‌کرد تا طلاب آن را بهتر دریابند و نیز اشکالات و ابهامات را برطرف کند (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۶۹)؛ از این مقوله، آشکار می‌شود علاوه بر آموزش بالینی به دانشجویان کلاس‌های پزشکی به صورت تئوری و به شیوه سخنرانی نیز برگزار می‌شده است.

مبلغی که پزشکان برای آموزش طب به دانشجویان دریافت می‌کردند بیشتر از مبلغی بود که در ازای معاینه و مداوای بیماران دریافت می‌نمودند (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۴۸) که این امر نشان دهنده اهمیت و توجه بیشتر به بخش آموزش در دارالشفای ربع بوده است.

به دنبال گسترش کمی و کیفی تشکیلات ربع رشیدی، رشیدالدین به منظور ارتقای سطح آموزش و تعلیم دانشجویان، شروع به جذب نخبگان<sup>۲</sup> از ملل مختلف نمود. پنجاه پزشک ماهر از هند، چین، مصر و شام و دیگر سرزمین‌ها به تبریز دعوت شدند تا علاوه بر درمان بیماران، عهده‌دار آموزش دانشجویان طب شوند؛ نزد هر کدام از این پزشکان ۱۰ دانشجو، دروس پزشکی را فرا می‌گرفتند.

آنچنان که از متن وقف‌نامه و مکاتبات رشیدی برمی‌آید، به اعزای هر کدام از پزشکان مدعو که در حکم پزشک عمومی بوده‌اند یک جراح، یک کحال و یک مجبر وجود داشته است که هر کدام می‌بایست ۵ دانشجو را که از میان غلامان رشیدالدین انتخاب می‌شدند، تعلیم می‌دادند (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۱۹). بدین ترتیب ۵۰۰ دانشجوی پزشکی عمومی، ۲۵۰ چشم پزشکی، ۲۵۰ جراح و ۲۵۰ شکسته‌بند کل دانشجویان دارالشفای ربع رشیدی را تشکیل می‌دادند.

در حالی که در بسیاری از مدارس قدیم هیچ‌گونه محدودیت زمانی برای تحصیل وجود نداشته است و گاهی طالبان علم به منظور استفاده از مزایا تا آخر عمر در مدارس رفت و آمد می‌کردند و به گفته «شاردن» این مدارس به کانونی برای تن‌پروری تبدیل شده بودند (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۹۳۸)، در دارالشفای ربع، مدت زمان تحصیل در طب پنج سال، تعیین شده بود و در این دوره دانشجویان از تمام رفاهیات، همچون مسکن و کمک هزینه تحصیلی سالیانه (Scholarship) برخوردار بودند. با اتمام دوره تحصیلی توسط اساتید از دانشجویان آزمون نهایی به عمل می‌آمد و در صورت پذیرفته شدن دانشجویان فارغ‌التحصیل با دریافت دانشنامه و اجازنامه به طبابت مشغول می‌شدند و در صورت نپذیرفته شدن یا هرگونه سرپیچی بی‌لیاقتی، دانشجویان از دارالشفاء اخراج می‌شدند و می‌بایست جای خود را به دانشجویان مستعد دیگر دهند (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۶-۱۴۵).

<sup>۲</sup>. Attract elite



## ۶-۲. بخش دارویی دارالشفاء

طبق مندرجات وقف‌نامه و مکاتبات رشیدی، داروخانه دارالشفای رشیدی از سیستم دقیق در زمینه‌های نظارت، مدیریت امور دارویی و تهیه و توزیع داروها برخوردار بوده است. داروها در محلی به نام رواق‌المرتبین، تحت نظر پزشک داروساز ساخته می‌شد و جهت نگهداری و توزیع میان بیماران به داروخانه انتقال می‌یافت (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۹۴). مازاد مصرف روزانه بیمارستان در شرابخانه و مخزن ادویه نگهداری می‌شد (همان: ۴۲). شخصی تحت عنوان خازن، مسئولیت داروخانه، وظیفه نگهداری از داروها و ابزارآلات پزشکی و سایر ظروف ادویه را برعهده داشت (همان: ۱۴۹). کلید داروخانه در دست او بود؛ اما می‌بایست دو نایب از طرف متولی و مشرف و یک پزشک هنگام بازگشایی نظارت داشته باشند. هیچ کس، حق ورود به داروخانه را نداشت و خازن می‌بایست تحت نظارت پزشک با کمک شرابدار داروها را آماده سازد. متقاضیان دارو در بیرون داروخانه در کنار شبکه (پنجره) می‌نشستند. هنگام تحویل دارو، خازن و شرابدار و پزشک هر سه باید در داروخانه حضور داشته باشند. پزشک بر در شبکه می‌نشست و نسخه را به خازن می‌سپرد و وی دارو را تهیه می‌کرد و از همان شبکه بیرون می‌داد. بعد از اتمام کار دوباره با نظارت هیأت سه نفره داروخانه، مهر و بسته می‌شد (همان: ۱۴۷۱۸۳).

سالانه ۷۶۰ دینار رایج تبریز به منظور تأمین هزینه‌های داروخانه در نظر گرفته شده بود که این مبلغ جدای از مبلغی بوده که برای حقوق کارکنان و خرید ابزارآلات پرداخت می‌شده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۳۴، ۲۲۴). فراشان داروخانه، آشپز داروخانه، قیم و خادم داروخانه و دربان داروخانه از دیگر منصب‌هایی بوده‌اند که در داروخانه دارالشفای ربع فعالیت می‌کردند (همان: ۱۵۸). وجود این مناصب گواهی بر وسعت و اهمیت این قسمت از دارالشفاء نسبت به داروخانه‌های معاصر بوده است.

## ۶-۳. بودجه و منابع مالی دارالشفاء

آنچنان که از مکاتبات رشیدالدین و وقف‌نامه ربع رشیدی برمی‌آید، رشیدالدین در تخصیص بودجه به بخش‌های مختلف ربع، توجه ویژه‌ای به دارالشفاء داشته است. وی شرط می‌کند از نیمه درآمد اوقاف، که به هزینه‌های جاری ربع اختصاص یافته است، بهای خرید آلات و ادوات دارالشفاء در اولویت است (همان: ۲۳۴). همچنین وی علاوه بر وقفیات عمومی که به ربع اختصاص داشته و سایر بخش‌های ربع، از جمله دارالشفاء از عواید آن بهره‌مند شده‌اند، وقفیات ویژه‌ای نیز، برای دارالشفاء در نظر گرفته که می‌توان به عواید حاصل از نگهداری ۲۰۰۰۰ قطعه ماکیان و وقف ۱۰۰۰ بشکه شربت دارویی به منظور مداوای بیماران اشاره نمود (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۷-۲۳۶). افزون بر هزینه کاخدارای، خرید ابزارآلات، دستمزد اساتید، کارکنان و کمک هزینه دانشجویان دارالشفاء که به دو صورت نقدی و جنسی (نان گندم) پرداخت می‌شد و رقم قابل توجهی بوده است، سالانه ۲۸۶۰ دینار رایج برای تأمین دارو، غذا، درمان و تدفین بیماران تهی دست و سوخت مورد نیاز دارالشفاء اختصاص می‌یافته است (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۳۴ و ۲۲۴).

در نظام بودجه ربع رشیدی، پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان پس از سهم هیأت امناء در اولویت قرار داشته (همدانی: ۱۳۵۶: ۱۲۹) و دستمزد کارکنان دارالشفای رشیدی نیز مانند سایر کارکنان، متناسب با اهمیت و نوع شغل، به دینار رایج تبریز پرداخت می‌شده است؛ لذا در میان کارکنان دارالشفاء، پزشکانی که علاوه بر طبابت، تدریس طب را نیز برعهده داشتند، از بالاترین دستمزد برخوردار بودند. علاوه بر وجوه نقدی هر کدام از کارکنان دارالشفاء به طور روزانه و متناسب با نوع و اهمیت شغل به عنوان مزایا، نان گندم دریافت می‌کردند که میزان آن از ۲ من تا ۱۰ من متغیر بوده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۹-۱۴۶). مبالغی نیز تحت عنوان جامه، صابون و حلوا بها به ساکنان ربع پرداخت می‌شده است (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۱۹). همچنین سالانه ۷۲۰ دینار پول نقد و روزی ۱۸ من نان گندم به منظور تأمین غذای کارکنان دارالشفاء اختصاص داده شده بود. این مبلغ، اختصاص به مصرف کارکنان دارالشفاء داشته و جدای از بودجه تأمین خوراک بیماران بوده است (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۳۴).

## جدول ۴-۳- کارکنان دارالشفای ربع رشیدی و میزان حقوق دریافتی

سمت	دستمزد سالانه (دینار رایج تبریز)		مزایای جنسی روزانه (نان گندم)
پزشک و مدرس طب	۱۸۰ دینار برای تدریس طب	۱۵۰ دینار برای طبابت	مجموع ۳۳۰ دینار
			۱۰ من

کحل	۱۰۰ دینار	۵ من
جراح	۱۰۰ دینار	۵ من
خادم یا بهیار	۶۰ دینار	۴ من
سقا دارالشفاء	۵۰ دینار	۲ من
شرابدار داروخانه	۴۰ دینار	۴ من
خازن داروخانه	۳۰ دینار	۳ من
دانشجوی طب	۳۰ دینار	۳ من
آشپز دارالشفاء	۳۰ دینار	۲ من
فراش دارالشفاء	۳۰ دینار	۲ من
دربان دارالشفاء	۳۰ دینار	۲ من
مشعل دار	۳۰ دینار	۲ من

کارکنان دارالشفاء در صورت تجرد در ساختمان‌های واقع در ربع رشیدی سکنی داشتند که به دستور رشیدالدین می‌بایست از بهترین ساختمان‌های موجود باشند (همان: ۱۸۳) و در صورت تأهل در کوچهٔ معالجان و محلهٔ صالحیه که از بهترین محله‌های شهرستان رشیدی محسوب می‌شد، مسکن‌هایی در اختیار آنان قرار می‌گرفت (همان: ۸۲-۱۸۱). خدمات ارائه شده به کارکنان دارالشفاء تنها مختص به کارکنان تمام وقت نبوده و پزشکان پاره‌وقتی که از سایر سرزمین‌ها به منظور تدریس به تبریز دعوت می‌شدند، بنا به گفتهٔ رشیدالدین از بالاترین امکانات، مزایا و خدمات برخوردار بوده‌اند (همدانی، ۱۹۴۵: ۳۱۹). حضور طبیبان مصری در دارالشفای ربع علی‌رغم مناقشات سیاسی بین دو کشور و همچنین فعالیت بیمارستان معروف منصوری مصر در این دوره می‌تواند تأییدی بر این ادعا باشد. رشیدالدین هدف از ارائهٔ این خدمات را فراهم آوردن آسودگی خاطر برای کارکنان و عالمان ساکن در ربع بیان کرده تا بتوانند وظیفهٔ خود را به بهترین نحو به انجام رسانند (همان).

#### ۷. خانقاه ربع رشیدی

رشیدالدین برای تصوف و متصوفه، ارزش و احترام فراوان قائل بود. به طوری که در چندین مورد، ضرورت تصوف و رعایت حال عرفا را برای فرزندان و نزدیکان خود متذکر می‌شود و اموالی را در این زمینه وقف می‌نماید (همدانی، ۱۹۴۵: ۲۳۳). وی همانند سایر صوفیان عصر خود به ضرورت مرشد اعتقاد راسخ داشت و تصوف را فقط امری ذهنی و فکری نمی‌پنداشت و معتقد به تعلیم و عمل تحت ارشاد یک مرشد و استاد کامل بود. وی در مکتوبی به فرزندش امیر محمود که در کرمان به علم تصوف مشغول بوده، در این باره آورده است: «اول امری که لازم و اول فرضی که واجب است بر مرید طلب استاد کامل و شیخ عالم عامل است که او را به تذهیب اخلاق و طیب اعراق رهنمایی کند» (همان: ۲۸۹). از جهت همین علاقه و آگاهی رشیدالدین از تصوف، وی خانقاهی را با تمام امکانات رفاهی و علمی نظیر پرداخت حقوق و مزایا به شیخ و صوفیان، مسکن، غذا، بهداشت و جز آن احداث نمود که علاوه بر تربیت صوفیان هر ساله ۲۴ مراسم سماع در آن برگزار می‌شد. برای شیخی که به وظایف شیخوخه و ارشاد مریدان قیام می‌نمود سالانه ۱۵۰ دینار منظور شده بود که بعدها به ۳۰۰ دینار افزایش یافت. تعداد صوفیان نیز در سال ۷۱۵ هـ.ق، ۵ نفر به ۱۰ نفر رسید. مدت تحصیل صوفیان در خانقاه همانند سایر دانشجویان ربع پنج سال بود و پس از آن می‌بایست به سیر و سیاحت بپردازند. ساکنان خانقاه تحت نظارت شدید قرار داشتند و اگر خطایی نامشروع از آنان سر می‌زد، از ربع اخراج می‌شدند و افراد دیگری جایگزین می‌شد (همان: ۱۳۷، ۱۶۶، ۱۷۴).

#### ۸. دارالکتاب ربع رشیدی

یکی از مهم‌ترین تأسیسات ربع رشیدی، کتابخانه‌ای بود که در مجاور محل سکونت متولی و در دو طرف بنای گنبد آرامگاهی که رشیدالدین برای خود تدارک دیده بود، قرار داشت که این امر، اهمیت این بخش از مرکز علمی و فرهنگی ربع رشیدی را به خوبی بیان می‌کند. این کتابخانه شامل ده‌ها هزار جلد کتاب بود که از ملل گوناگون جمع‌آوری شده بود و در اختیار ساکنان ربع و عموم مردم قرار داشت (همدانی، ۱۹۴۵: ۲۳۷؛ همو، ۱۳۵۶: ۱۵۰).

#### ۹. دوران فعالیت ربع رشیدی

وسعت طرح ربع رشیدی، برنامه‌های دقیق احداث و نظارت بر ساختمان و بناهای وابسته بدان، نظم و ترتیب در اداره تشکیلات، سازندگی و وسعت عمل که در متن وقف‌نامه بدان اشاره شده و همچنین بررسی مکاتبات رشیدی که سند عملی و قرینه عینی شواهد وجودی تشکیلات ربع رشیدی می‌باشد، نشان می‌دهد تمرکز امور در دست رشیدالدین به عنوان یک شخصیت علمی، نظارت مستقیم وی بر فعالیت‌های مرکز یاد شده، استفاده او از موقعیت سیاسی خویش و کرسی وزارت و همچنین دسترسی به منابع مالی سرشار نهاد وقف، مهمترین عامل در شکوفایی ربع رشیدی بوده است که می‌توان از آن به عنوان یکی از ارزشمندترین مجموعه‌های آموزشی ایران پس از حمله مغول که نقش انکارناپذیری در احیای فرهنگ و حیات علمی ایران در آن دوره را داشته است یاد کرد.

لیکن تمرکز بیش از حد ساختار سازمانی، رهبری و تسلط همه جانبه رشیدالدین و همچنین تأثیر بسزای نفوذ و قدرت سیاسی و مالی وی در اداره امور و سایر تشکیلات ربع رشیدی موجب گردید به دنبال قتل رشیدالدین در سال ۷۱۸ هـ.ق، تأسیسات عظیم علمی که او در سال ۶۹۹ هـ.ق، بنای آن را آغاز نموده بود و اتکا به شخص وی داشت از کینه‌توزی و انتقام‌جویی‌های سیاسی در امان نماند «و لشکریان ربع رشیدی که متعلق بدان جناب بود، تاراج نمودند و امرا املاک خواجه و اولاد عظامش را دیوانی ساختند» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۳/۲۰).

در زمان وزارت غیاث‌الدین محمد (مقتول در سال ۷۳۶ هـ.ق) فرزند رشیدالدین این مرکز علمی برای مدتی کوتاه، رونق گذشته را تا اندازه‌ای باز یافت (مستوفی، ۱۳۳۶: ۸۷)؛ اما بعد از مرگ وی بار دیگر غارت شد و به گفته میرخواند غارتگران «چنان نقود و اجناس و مرصعات و کتب نفیس و رخوت قیمتی و اوانی زرین و سیمین بیرون آوردند که محاسبان از قیاس و تخمین عاجز ماندند» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵/۴۰۵). به دنبال مرگ ابوسعید ایلخانی (متوفی در سال ۷۳۶ هـ.ق) و در دوران فترت میان ایلخانان و تیموریان ساختمان ربع به عنوان سکونتگاه، مورد توجه امرا و بزرگان قرار گرفت و بارها میان مدعیان قدرت، نظیر ملک اشرف چوپانی و سلطان اویس جلایری دست به دست گردید (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۳۱۶/۲۷۵). در عصر تیموری، میرانشاه حاکم تبریز دستور به ویرانی ربع رشیدی داد (کلاویخو، ۱۳۷۷: ۱۷۰)؛ لیکن گویی که «ویران کردن این عمارت» به حقیقت دشوار بوده است؛ چرا که شاردن سیاح فرانسوی عصر صفوی پس از گذشت حدود ۴۰۰ سال از عظمت ویرانه‌های آن یاد می‌کند (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/۴۷۸). در این دوره شاه عباس اول دستور داد رشیدیه را از نو آباد کنند؛ اما پس از مرگ وی جانشینانش مصلحت آن دیدند که قلعه، همچنان ویران بماند (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۸۲: ۲/۸۲۶؛ شاردن ۱۳۷۲: ۲/۴۷۸). نادر میرزا شاهزاده قاجار نیز از بقایای محکم و حصین شهر رشیدیه در سال ۱۲۵۴ هـ.ق، یاد می‌کند که مردم مصالح آن را برای عمارت‌های خویش بر می‌کنند (نادر میرزا، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

#### ۱۰. جایگاه و اهمیت علمی و آموزشی ربع رشیدی

اگر چه رهبری و تسلط همه‌جانبه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و پس از او فرزندش غیاث‌الدین محمد بر تمام امور ربع رشیدی و عدم توضیح قدرت در راس مدیریت موجب گردید با مرگ ایشان حیات علمی ربع نیز پایان پذیرد، لیکن به کارگیری نهاد وقف به عنوان یک پشتوانه مالی مستقل از دربار و برنامه‌ریزی دقیق در تمام ارکان و امور ربع رشیدی به همراه سعی و فوری که در هم‌آهنگی فعالیت‌های دانشمندان از ملل مختلف صورت پذیرفت، موجب گردید علی‌رغم حیات کوتاه، این مرکز فعالیت‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی شایان توجهی را به انجام رساند. بررسی مسائل مالی، تعیین هزینه‌ها و تأمین بودجه از طریق درآمد زایی موقوفات بدون نیاز به حمایت سلاطین و پرداخت‌های دولتی، شرح وظایف و تقسیم کار از بالاترین مقام ربع تا پایین‌ترین رده‌های شغلی، نظارت بر کارکنان، تهیه گزارش از عملکرد بخش‌های مختلف، ارتقاء و نزول مقام و پرداخت پاداش و اعمال تشبیه از برجسته‌ترین مسائل مالی و مدیریتی بوده که در ربع رشیدی صورت گرفته است و امروزه بسیاری از این

شیوه‌های مدیریتی و مالی به کار گرفته می‌شود؛ به طوری که در اغلب کشورهای توسعه یافته، آموزش عالی برعهده واحدهای آموزشی و پژوهشی مستقل از دولت می‌باشد و اکثر دانشگاه‌هایی که به لحاظ علمی در صدر معتبرترین دانشگاه‌های دنیا قرار دارند، به صورت مستقل اداره می‌شوند و قسمت اعظم بودجه خویش را از محل وقف و کمک‌های بلاعوض تأمین می‌کنند (shanghi Ranking consultancy, ۲۰۱۴، عبده تبریزی، ۵۳:۱۳۸۴).

در حیطه آموزش، گزینش اساتید براساس توانایی‌های علمی و صلاحیت‌های اخلاقی، پذیرش دانشجو در علوم مختلف بر اساس استعداد، محدودیت زمان تحصیل، نظارت بر کمیت و کیفیت کلاس‌ها، نظارت بر مسائل اخلاقی و انضباطی دانشجویان، تهیه کلیه امکانات علمی و رفاهی برای مدرسان و جز آن، بیانگر برتری مرکز علمی و آموزشی ربع رشیدی نسبت به بسیاری از مراکز علمی دوران پیش و پس از حیات این مرکز آموزشی بوده است.

در حوزه آموزش پزشکی و درمان، بسیاری از قوانین نوین پزشکی نظیر، ارائه خدمات درمانی عمومی، حمایت از مردم نیازمند و محروم، صلاحیت علمی و اخلاقی در استخدام پزشکان و کارکنان، همگامی توأمان درمان و آموزش، استفاده از روش‌های آموزشی بالینی و تئوری به صورت همزمان، محدودیت زمانی در تحصیل، صدور جواز پزشکی، حضور پزشکان تمام وقت در بیمارستان، حضور پزشک دارو ساز در داروخانه، ارائه خدمات درمانی و رفاهی به بیماران مسافر و خارج از محدوده شهری بیمارستان، نظارت بر مراکز درمانی، استیفای حقوق گیرندگان خدمت، سیستم جبران خدمات پزشکان و پیراپزشکان، وظایف کاخ‌داری و جز آن در دارالشفای ربع رشیدی جاری بوده است- (همدانی، ۱۳۵۶:۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۹، ۲۳۴، ۳۲۰). همچنین علی‌رغم اختصاص اعتبارات و تجهیزات کلان برای پیشبرد دانش و پژوهش، دارالشفای ربع، به منظور استفاده از دستاوردهای علمی سایر تمدن‌ها و وسایل مورد نیاز خود را در حد خودکفایی تهیه و تدارک نماید. این امر، نتیجه مهم‌تری را به دنبال داشت و آن معرفی علوم طب مغولی، هندی و بویژه طب چینی به مسلمانان و بالأخص ایرانیان بود. در مرکز علمی، فرهنگی و آموزشی ربع رشیدی اصولی تقریباً مشابه با مفاهیمی که امروزه در قاموس دانشگاهی و پزشکی وارد شده است، نظیر جذب نخبگان،<sup>۳</sup> کمک‌هزینه تحصیلی،<sup>۴</sup> تأمین اجتماعی،<sup>۵</sup> اشتغال تمام‌وقت،<sup>۶</sup> کمیته انضباطی،<sup>۷</sup> فرصت مطالعاتی،<sup>۸</sup> اسمینار و جز آن به منظور پیشرفت امور علمی و آموزشی به اجرا در می‌آمده است.

همچنین دبدگاه‌های فرامی‌تابی و فرامذهبی خواجه رشیدالدین فضل‌الله به همراه فراهم نمودن انواع تمهیدات و امکانات مالی و رفاهی از سوی وی، برای دانشمندان و طالبان علم سبب شده بود دانشمندان و دانش‌پژوهانی از سراسر قلمرو ایلخانی و خارج از آن به تبریز و مجموعه علمی و فرهنگی ربع رشیدی روی بیاورند و تبادلات علمی ارزشمندی را رقم بزنند که در ادامه، اسامی برخی از آنان خواهد آمد.

#### جدول ۴-۴- اسامی برخی از دانشمندان که با رشیدالدین در تعامل بوده‌اند (بر اساس جامع التصانیف رشیدی)

ش	اسامی	توضیحات
۱	لیتاجی	مورخ، منجم و طبیب ختایی
۲	کمسون	مورخ، منجم و طبیب ختایی

<sup>۳</sup>. Attract elite

<sup>۴</sup>. Scholarship

<sup>۵</sup>. social security

<sup>۶</sup>. full time

<sup>۷</sup>. Disciplinary Committee

<sup>۸</sup>. Reserch Opportunity

۳	سیوسه	حکیم و طیب ختایی
۴	پولاد چینگ سانگ	سفیر خاقان چین و مورخ
۵	خواجه اصیل الدین طوسی	منجم، ادیب، دانشمند و حکیم
۶	فخرالدین حسن علوی	پرسشگر مسائل علمی
۷	امین الدین ابوالقاسم حاجی یله	پرسشگر مسائل علمی
۸	اولجایتو خدابنده	سلطان ایلخانی و پرسشگر مسائل علمی
۹	برهان الدین عبدالله فرقانی	-----
۱۰	بدرالدین شامی	-----
۱۱	تاج الدین ابن سباک	مدرس مدرسه مستنصریه
۱۲	جلال الدین بن قطب الدین عتیقی	پرسشگر مسائل علمی
۱۳	تاج الدین عبدالله بن عمر	پرسشگر مسائل علمی
۱۴	علامه حلی	عالم بزرگ شعیه و آگاه به علوم عقلی
۱۵	شرف الدین خوارزمشاه	پرسشگر مسائل علمی
۱۶	سیف الدین مصری	آگاه به انواع فنون و علوم
۱۷	سیف الدین محمد سنجاری	-----
۱۸	شرف الدین حسن بن محمد طیبی	-----
۱۹	سراج الدین بن فخرالدین عبدالله	استاد خواجه رشیدالدین فضل الله
۲۰	رکن الدین حسن بن شرف شاه حسینی	دانشمند موصل و شاگرد طوسی
۲۱	حمیدالدین محمد بن احمد	پرسشگر مسائل عرفان، کلام و فلسفه
۲۲	رکن الدین بکرانی	دانشمند و شاعر
۲۳	رکن الدین خواجه علی دارالحدیثی	محدث
۲۴	سراج الدین قاضی آمل	-----
۲۵	جمال الدین اسلیم ترمذی	-----
۲۶	جمال الدین ماکی	مفسر
۲۷	جمال الدین علی شاه کاتبی	فقیه شافعی
۲۸	جمال الدین شرف شاهی	پرسشگر مسائل علمی
۲۹	حکیمی از فرنگ	پرسشگر مسائل کلامی و فلسفی
۳۰	حجة الدین موسی ماردینی	محدث
۳۱	حمیدالدین محمود نجاتی نیشاپوری	مؤلف رساله فیروزی
۳۲	ابوالقاسم کاشانی	مورخ، گوهرشناس و کاشی ساز
۳۳	حمدالله مستوفی	مورخ و جغرافی نگار
۳۴	شیخ صفی الدین اردبیلی	صوفی و نیای بزرگ سلسله صفویان
۳۵	میرخواند	مورخ
۳۶	شرف الدین قاضی سیواس	پرسشگر مسائل تفسیر

۳۷	ابو عبدالله ابن الفقاعی	پرسشگر مسائل کلامی
۳۸	شکر لب سیرامی	پرسشگر مسائل تفسیر
۳۹	شمس الدین ارموی	پرسشگر مسائل علمی
۴۰	شمس نفیس	-----
۴۱	شمس الدین امیر احمد	پرسشگر مسائل تفسیر
۴۲	شمس الدین مسعود	طیب و پرسشگر مسائل پزشکی
۴۳	شمس الدین محمد بن جوهری	پرسشگر مسائل کلامی
۴۴	شمس الدین محمد فضل الله حجری	پرسشگر مسائل فلسفی
۴۵	شمس الدین همدانی	پرسشگر مسائل علمی
۴۶	شمس الدین هندی	ریاضیدان عظیم المثل در بلده دهلی
۴۷	شمس الدین زاکانی قزوینی	پرسشگر مسائل فلسفی
۴۸	شهاب الدین مقبول رومی	پرسشگر مسائل علمی
۴۹	صدر جهان بخارایی	-----
۵۰	صدر جهان خوجانی	-----
۵۱	صدر الدین دارالحدیثی	پرسشگر مسائل فلسفی
۵۲	صدر الدین محمد ترکه خجندی	پرسشگر مسائل علمی
۵۳	صدر الدین مسعود بن سعد	پرسشگر مسائل علمی
۵۴	ضیاء الدین بن عمر	پرسشگر مسائل علمی
۵۵	ظهیر الدین فاروقی	-----
۵۶	عبدالملک حدادی	-----
۵۷	عده الدین محمد بن عبدالله	پرسشگر مسائل علمی
۵۸	عز الدین ابوالظفر حسن بن قاسم	پرسشگر مسائل علمی
۵۹	عز الدین امیر قاسم بن علی	-----
۶۰	عز الدین یوسف قندهاری	-----
۶۱	عضد الدین عبدالرحمن بن احمد شیرازی	-----
۶۲	عضد الدین عبدالرحمن بن احمد مطرزی	پرسشگر مسائل فلسفی
۶۳	عقیف الدین احمد بغدادی	-----
۶۴	علاء اکفر	-----
۶۵	علاء الدین طیب خراسانی	پرسشگر مسائل علمی
۶۶	علم الدین سلمان	پرسشگر مسائل طبیعیات
۶۷	علی قمی	-----
۶۸	عماد الدین عبدالله بن خوام	ریاضیدان و مدرس مدرسه سلطانیه
۶۹	عماد الدین ایجی	-----
۷۰	عماد الدین مطرزی	پرسشگر مسائل اخلاق و مذهب

۷۱	غیاث‌الدین غفاری	پرسشگر مسائل علمی
۷۲	فاضل حصن کیفی	مدرس قبه السلطان غازان
۷۳	فخرالدین محمد بن مطهر حلی	پرسشگر مسائل فلسفی
۷۴	فخرالدین اندقانی	پرسشگر مسائل علمی
۷۵	فخرالدین محمد بن عبدالله تفتازانی	مدرس مدرسه بشیریه
۷۶	فخرالدین احمد بن حسن	حضور در انجمن های علمی
۷۷	فخرالدین محمد بن ابی نصر خجندی	پرسشگر مسائل فلسفی
۷۸	فقیه نجم محمود بن الیاس	طیب و مؤلف الرساله الرشیدیه
۷۹	قطب‌الدین محمود شیرازی	طیب و دانشمند حاوی علوم دقیق
۸۰	قطب‌الدین محمد رازی	-----
۸۱	قوام‌الدین ابرقوهی	پرسشگر مسائل علمی
۸۲	قوام‌الدین ابن الطرح	پرسشگر مسائل علمی
۸۳	کمال‌الدین حسن بن داود کمال عرب	پرسشگر مسائل علمی
۸۴	کمال‌الدین حسن بن علی	پرسشگر مسائل فلسفی
۸۵	کمال‌الدین حجازی	پرسشگر مسائل علمی
۸۶	کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی	-----
۸۷	کھف‌الدین طرطوسی	-----
۸۸	لسان‌الدین شیرازی	-----
۸۹	مبارک شاه منطقی	-----
۹۰	مجدالدین اسماعیل بن رکن‌الدین	-----
۹۱	مجدالدین ابوالفضائل بن اسماعیل	-----
۹۲	مجدالدین عبدالله بن عمر	پرسشگر مسائل دینی
۹۳	مجدالدین سیدمرتضی علی	پرسشگر مسائل دینی
۹۴	محمد سمنانی	-----
۹۵	محمد بن محمد اسماعیل	-----
۹۶	محمد بن مبارکشاه	-----
۹۷	ناصرالدین عبدالله بیضاوی	-----
۹۸	ناصرالدین منشی کرمانی	مورخ و پرسشگر مسائل فلسفی
۹۹	ناصرالدین یحیی ختی	پرسشگر مسائل دینی
۱۰۰	نجم‌الدین ابوبکر	پرسشگر مسائل دینی
۱۰۱	نجم‌الدین بن محمد حافظ معیدی	پرسشگر مسائل فلسفی
۱۰۲	نجم‌الدین فقاعی	-----
۱۰۳	نصرالدین عبیدالله عبیدی	پرسشگر مسائل دینی و نجوم
۱۰۴	عمادالدین عبیدی	پرسشگر مسائل دینی و نجوم

ابن مهدی مشهور به ملک الاطباء	۱۰۵	سرپرست دارالشفاء همدان
نظام‌الدین طوسی	۱۰۶	پرسشگر مسائل دینی
نظام‌الدین عبدالملک بن احمد	۱۰۷	پرسشگر مسائل علمی
نظام‌الدین عبدالملک محمد	۱۰۸	پرسشگر مسائل علمی
نظام‌الدین عبدالملک قزوینی	۱۰۹	پرسشگر مسائل علمی
نظام‌الدین محمد بن حسین نیشاپوری	۱۱۰	پرسشگر مسائل کلامی
نظام‌الدین علی بن محمود	۱۱۱	-----
نظام‌الدین یحیی بن عبدالرحمن	۱۱۲	-----
نورالدین عبدالله بن عمر	۱۱۳	پزشک و پرسشگر مسائل دینی
نورالدین کوه کیلویی	۱۱۴	پرسشگر مسائل فلسفی
همام‌الدین تبریزی	۱۱۵	ادیب
محمد اشبیلیه	۱۱۶	دانشمند دیار مغرب
علی قیروانی	۱۱۷	دانشمند دیار مغرب
عجلان اندلسی	۱۱۸	دانشمند دیار مغرب
احمد تونسلی	۱۱۹	دانشمند دیار مغرب
معین‌الدین جزیره‌الاحضر	۱۲۰	دانشمند دیار مغرب
خضر قرطبه	۱۲۲	دانشمند دیار مغرب
الیاس قرطبه	۱۲۳	دانشمند دیار مغرب
نصره‌الدین موسی تونسلی	۱۲۴	دانشمند دیار مغرب
تاج‌الدین طرابلسی	۱۲۵	دانشمند دیار مغرب
مجتبأ اندلسی	۱۲۶	دانشمند دیار مغرب
عبدالرزاق بن احمد ملقب به ابن فوطی	۱۲۷	مورخ و فیلسوف
عمادالدین الحسین بن التبریزی	۱۲۸	معلم فرزندان رشیدالدین

### نتیجه‌گیری

تأسیس مجتمع بزرگ علمی-فرهنگی ربع رشیدی در برهه‌ای خاص از تاریخ ایران صورت گرفت که در پی یورش مغول، جامعه ایرانی از جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، اندیشه و فرهنگ و جز آن، دچار گسست شده بود و به دنبال ویرانی‌ها، کشتارها و ترک وطن رجال علمی، جامعه از وجود نیروهای اثرگذار برای بازسازی و ترمیم فکری و فرهنگی، تهی گشته بود. در چنین شرایطی رشیدالدین تلاش نمود با تأسیس این مجتمع علمی



و مراکز مشابه نه تنها به احیای علم و فرهنگ و باروری نمادهای هویت ملی ایرانی و بازپروری اندیشمندان و بازگرداندن عالمان وطن‌گریز بپردازد، بلکه با بیش و برداشتی جهانی و فراملیتی و فرامذهبی و با در نظر گرفتن انواع تمهیدات برای جذب طالبان علم و دانشمندان سایر سرزمین‌های اسلامی و غیر آن به همراه آثار علمی‌شان، ربع رشیدی را به یک مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی بین‌المللی و تبریز را به یکی از کانون‌های علمی و آموزشی آن روز جهان اسلام تبدیل نماید. اهدافی که شواهد تاریخی از تحقق آن حکایت دارد و نشان می‌دهد که دانشمندان و طلاب علم از سراسر جهان متمدن آن روز، بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب در کمال آسایش و رفاه در ربع به کسب علم پرداخته‌اند.

گزارشات ده‌ها مورخ و سیاح ادوار مختلف تاریخی از عظمت ربع رشیدی و سایر مدارس و مراکز علمی و آموزشی تبریز (رک: ابن بطوطه، ۱۳۶۱؛ کلاویخو، ۱۳۷۷؛ چلبی، ۱۳۳۸؛ شاردن، ۱۳۷۲؛ نادر میرزا، ۱۳۹۳) به همراه بررسی نظام آموزشی و شناسایی دانشمندان متعددی که از بلاد مختلف قلمرو ایلخانی و دیگر سرزمین‌ها نظیر چین، روم، شام، مصر، اندلس، قیروان، طرابلس، تونس، قرطبه و اشبیلیه و غیره با خواجه رشیدالدین آمد و شد و تبادلات علمی داشتند و از وی کمک مالی دریافت می‌کرده‌اند، می‌تواند سند معتبری در صحت اقوال و موفقیت رشیدالدین در تحقق اهداف فرهنگی اش و بازتابی از عملکرد نظام آموزشی ربع رشیدی در احیای حیات علمی و فرهنگی ایران پس از فرو نشستن امواج یورش مغول باشد.



## منابع و مأخذ

- ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد (۱۴۱۶). *مجمع الاداب فی المعجم الاقاب*، ۶ جلد، تحقیق محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الارشاد اسلامی.
- اذکایی همدانی، پرویز (۱۳۸۸). *خواجه رشید، مجموعه مقالات درباره رشیدالدین و ریح رشیدی تبریز*، بی جا: چاپخانه علامه طباطبایی.
- اوحدی مراغه‌ای (۱۳۹۱). *کلیات اشعار (منطق العشاق، جام جم)*، به کوشش سعید نفیسی، تهران: انتشارات سنایی.
- بناکتی، ابوالسلیمان داود (۱۳۴۸). *تاریخ بناکتی*، مصحح، جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*، محقق، ایرج افشار، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیرکبیر
- چلبی، اولیا (۱۳۳۸). *سیاحت نامه اولیا چلبی*، ترجمه حاج حسین نخجوانی، تبریز: مجله دانشکده ادبیات تبریز، دوره ۱۱
- خواندمیر (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*، ۴ جلد، تهران، انتشارات خیام.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۱). *تاریخ تمدن*، ترجمه حسین کامیاب و دیگران، تهران: انتشارات بهنود، چاپ سوم
- رجب زاده، هاشم (۱۳۵۵). *آیین کشور داری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*، تهران: انتشارات توس.
- سارتون، جورج (۱۳۸۳). *مقدمه بر تاریخ علم*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، جلد ۲ و ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*، تصحیح، ادوارد براون، تهران: انتشارات اساطیر.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، محقق عبدالحسین نوایی، ۴ جلد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ۵ جلد، تهران: نشر توس.
- عبده تبریزی، حسین (۱۳۸۴). *نهاد مالی صندوق های وقفی و اصول اسلامی فعالیت آن در ایران، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق*، شماره، ۲۵
- کسائی، نورالله (۱۳۵۸). *مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۷۷). *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتن، ا. ن. (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات نی.

- مجتهدی، کریم (۱۳۷۹). *مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی در قرون وسطی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۲۶). *نسانم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزراء*، به تصحیح و مقدمه و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرخواند، محمدبن خاوند شاه بن محمود (۱۳۸۰). *تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء والملوک والخلفا*، به تصحیح و تشحیح جمشید کیان فر، ۱۵ جلد، تهران: انتشارات اساطیر.
- نادر میرزا (۱۳۹۳). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: انتشارات آیدین.
- نصر، حسین (۱۳۵۰). *مقام رشیدالدین فضل‌الله در تاریخ فلسفه و علوم اسلامی*، مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وصاف، فضل‌الله بن عبدالله (۱۳۳۸). *تاریخ و صاف الحضرة*، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریزی.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۵۸). *سوانح الافکار رشیدی*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- همو (۱۳۵۸). *سوانح الافکار رشیدی*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- همو (۱۹۴۵). *مکاتبات رشیدی*، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد شفیع، لاهور: انتشارات پنجاب اینجو کیشنل پریس لاهور.
- همو (۱۳۵۶). *وقفنامه ربع رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- همو (۱۳۵۵). *لطائف الحقایق*، ۲ جلد، به کوشش غلامرضا طاهر، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- همو، (۱۳۵۰). *تنکسوق نامه یا طب اهل ختا*، با مقدمه مجتبی مینوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- همو، *کتاب سلطانی*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۸۷.

Herse, paul and kenneht H. Blancard.(۱۹۸۹). management of Organizational Behavior:Utilizing human Resources,Englewood cliffs, Nuwjersey:prentice-Hall,Inc.

Shanghi Ranking consultancy. ۲۰۱۴. Retrievend ۲۹ january ۲۰۱۵.

## **The approach of the educational system in the scientific and cultural Center of Rab'-i-Rashidi (۹۹۹-۸۱۸ Ah)**

### **Abstract:**

" Rab'-i- Rashidi " Scientific and Cultural Center is the largest endowment, scientific, cultural and educational complex of the Ilkhanate era (۷۳۶-۶۵۳ Ah), which was established by Khajeh Rashid al-Din Fazlullah Hamedani, minister, scientist and great historian of the patriarchy (۷۱۸-۶۴۸ Ah). The achievements of this center in various fields and its considerable place in the history of science in Iran and Islam necessitate the study and study of the administrative method and the manner of scientific and educational activities of this collection. In this research, with a descriptive-analytical approach, first the management method of " Rab'-i- Rashidi " is discussed and then the educational system of this collection will be reviewed and the consequences will be explained.

The results of this study show that " Rab'-i- Rashidi " Scientific and Cultural Center with the management of scientific personality and benefiting from specific financial support and independent of the government has had many functions of modern scientific and educational centers in accordance with the facilities of the era. These include the selection of professors based on scientific abilities and moral competencies, the use of capable professors from other nations, study opportunities, payment of scholarships and more.

**Keywords:** Khajeh Rashid al-Din Fazlullah Hamedani, Rab'-i- Rashidi , Educational System, Ilkhans